

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« انتقاد و خودانتقادی »

در سپهر اخلاق و هویت

دکتر اسماعیل کاوسی

مهدی حبیبی

سرشناسه: کاوسی، اسماعیل، ۱۳۴۲
عنوان و پدیدآور: انتقاد و خودانتقادی / اسماعیل کاوسی، مهدی حبیبی
مشخصات نشر: تهران: فکر بکر، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری: ۱۵۱ ص
شابک: ۲-۰۱-۲۸۶۰-۹۶۴-۹۷۸
موضوع: انتقاد شخصی
شناسه افزوده: حبیبی، مهدی، ۱۳۵۷
رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ۲ ک ۸ الف / BF637
رده بندی دیویی: ۱۵۸/۱
شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۰۲۳۴۴

انتشارات فکر بکر
www.FekreBekr.ir
انتقاد و خودانتقادی

نویسندگان:
دکتر اسماعیل کاوسی
مهدی حبیبی
طراح روی جلد:
سید بلال سید علوی
صفحه آرای: مؤسسه فکر بکر
چاپ اول: تابستان ۱۳۸۷
تیراژ: ۱۰۰۰
قیمت: ۱۷۰۰ تومان
شابک: ۲-۰۱-۲۸۶۰-۹۶۴-۹۷۸
مرکز پخش:
۰۲۱-۶۶۵۰۸۴۸۵

فهرست

۵	درآمد
۹	انتقاد چیست؟
۱۴	آیا انتقاد عیب جویی نیست؟
۲۲	کارکرد انتقاد چیست؟
۳۰	چرا از انتقاد می‌ترسیم؟
۳۶	چگونه با انتقاد روبه‌رو می‌شویم؟
۳۹	رایج‌ترین مکانیزم‌های دفاعی در برابر انتقاد
۳۹	الف. انکار
۴۰	ب. انگیزه خوانی منتقد
۴۳	ج. انتقاد متقابل
۴۵	د. تحقیر منتقد
۴۷	هـ. دلیل تراشی
۴۸	و. کوچک جلوه دادن انتقاد
۵۰	ز. گریز و بازگشت
۵۱	ح. فرافکنی
۵۳	ط. دیگران را مقصر دانستن
۵۶	آیا انتقاد باید وارد باشد؟
۶۲	آیا انتقاد باید سازنده باشد؟
۶۵	الف. ندیدن عیب‌ها
۶۷	ب - ترس از بیان عیب‌ها
۸۳	آیا انتقاد باید مؤدبانه باشد؟

- ۹۲ چه چیز مانع انتقاد پذیری می‌شود؟
- ۱۰۳ آیا انتقاد کافی است؟
- ۱۰۵ انتقاد از خود چیست؟
- ۱۰۹ آیا انتقاد از خود ممکن است؟
- ۱۲۲ آیا انتقاد از خود استرس‌زا است؟
- ۱۲۷ اصول انتقاد از خود چیست؟
- ۱۲۷ (۱) مسئولیت‌پذیری
- ۱۲۹ (۲) باور به رشد مداوم
- ۱۳۰ (۳) نظارت مستمر بر خود
- ۱۳۱ (۴) خود را متهم دیدن
- ۱۳۵ (۵) داشتن الگو
- ۱۳۷ تأثیرات اجتماعی انتقاد از خود
- ۱۴۱ پی‌نوشت‌ها
- ۱۴۷ کتابنامه

بسمه تعالی

درآمد

غالب ما داستان کبودی زدن آن مرد ساده لوح را که تفصیل آن در مثنوی آمده است، شنیده ایم: «مردی برای نشان دادن شجاعت و جنگ آوری خود، نزد دلاکی رفت و از او خواست تا نقش شیری را بر شانه اش خالکوبی کند، با اولین نیش های سوزن که در شانه فرو رفت، آن مدعی دلاوری، بی تاب شد و پرسید که از کجا آغاز کرده است» دلاک گفت که از دم شیر شروع کرده است» مرد گفت که از خیر دم بگذرد و شیری بدون دم برایش نقش کند» باقی داستان را شنیده ایم و می دانیم که عاقبت دلاک به تنگ آمد و سوزن ها را بر زمین ریخت و با خشم گفت:

شیر بی دم و سر اشکم که دید؟
این چنین شیری خدا خود نافرید!

برخورد با انتقاد نیز بیشتر از این گونه است به استقبال انتقاد می رویم و گاه با اصرار خواستار آن می شویم، اما چون گزندگی نیش انتقاد را چشیدیم، از

آن می‌گریزیم و برای آن که گریز خود را بیوشانیم، برآن انتقاد برچسب‌های گوناگون می‌زنیم و آن را عقده‌گشایی، انتقام، تهمت و حق‌کشی نام می‌نهیم. این دوگانگی در ادعا و عمل، چندان آشکار است که نیاز به شاهد آوردن ندارد.

یکی از مسائل حل نشده در میان ما، مفهوم و کارکرد انتقاد و جایگاه آن است. نوشته‌های بسیاری در باره انتقاد و خود انتقادی پرداخته شده و در آن‌ها به انتقاد کردن دعوت شده است. اما این دعوت غالباً همراه باقیدهایی است که عملاً اصل انتقاد را ناممکن می‌سازد. گفته می‌شود که انتقاد باید هدف‌دار و سازنده، دوستانه و در جهت رشد و شکوفایی باشد و از انتقادهای ویرانگر، نابجا، تضعیف‌کننده، مغرضانه پرهیز شود. با این حال هیچ معیار مشخصی برای تعیین انتقادهای سازنده از ویرانگر و دوستانه از مغرضانه ارائه نمی‌شود و معلوم نیست که چه چیز مرز میان این دو به‌شمار می‌رود و کدام معیار، این دوگونه انتقاد را از یکدیگر جدا می‌سازد.

این ابهام، باعث شده است تا هر کس هرگونه و هرگاه که بخواهد، انتقادی را نادرست و مغرضانه تلقی کند و با این برداشت آن را رد کند، در نتیجه جامعه ما از برکات انتقاد — که در روایات، معصومین

همچون ارمغان به شمار آمده است محروم بماند. حال آن که فرهنگ دینی ما، مسلمانان را به درک و پذیرش انتقاد دعوت کرده و آنان را متوجه اهمیت خود کاوی و اصلاح خویش ساخته است.

این توجه، در قالب روایات مربوط به نصیحت پذیری، پرداختن به خویش، مراقبه و محاسبه نفس شکل گرفته است. اما یکی دیگر از محورهای روایات که به آن کمتر توجه شده است مسأله انتقاد، انتقادپذیری و از آن بالاتر پدید آمدن حالت خود انتقادی در ضمیر انسان است که آدمی را آماده رشد و شکوفایی می سازد. انتقاد ضمن اینکه زمینه رشد فردی را فراهم می سازد، پیش شرط همبستگی اجتماعی و سلامت جامعه، نیز به شمار می رود.

گسترش فرهنگ انتقاد و انتقادپذیری، بستر همبستگی اجتماعی را پدید می آورد؛ چرا که لازمه این همبستگی، صداقت و صراحت و حسن مسؤولیت متقابل است و همه این ها از نتایج انتقاد به شمار می رود. اساسا زندگی اجتماعی بدون انتقاد ناممکن است و ما همواره در حال انتقاد کردن از دیگران و یا انتقادشدن از آنان هستیم. اگر هم تصمیم بگیریم که از کسی دیگر انتقاد نکنیم، هیچ تضمینی وجود ندارد که دیگران از ما انتقاد نکنند. به گفته وایزینگر: "واقعیت این است که تا موقعی که با

دیگران رابطه دارید، یعنی تا زمانی که زنده هستید، انتقاد می‌شنوید و به آن احتیاج دارید» ۲. پس باید کوشید تا زمینه گسترش این مقوله را در میان خود پدید آوریم و از نتایج ارجمند آن استفاده کنیم.